

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ

A-PDF

بررسی تحلیلی حدیث سر نصیب مولی بودن امیر ابراهیم علیهم السلام

«مَنْ كُنَّ مَوْلَاهُ فَهُوَ عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ
وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»

غلامرضا صادقی فرد

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ

غلامرضا صادقی فرد

تهیه شده در گروه معارف مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا

ناشر: انتشارات تاسوعا

نوبت چاپ: اول، تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه،

چاپ: اعتماد،

طراح: سعید قهاری

نرم افزار خوشنویسی و فونتها: قلم برتر از شرکت مریم سافت

تاریخ چاپ: اودیهشت ۱۳۹۴، میلاد مسعود مولی امیر مؤمنان علیه السلام ۱۴۳۶

شابک: ۷۷-۷۷-۵۷۴۹-۹۶۴-۹۷۸-ISBN، قیمت ۷۰۰۰۰ تومان

آدرس: مشهد، خیابان بهشتی، بهشتی ۳۲، پ ۶۴، تلفن و نمابر: ۰۵۱۳۸۴۰۵۹۵۹

سایت مؤلف: www.sadeqifard.com

پست الکترونیکی مؤلف: me@sadeqifard.com ، sadeqifard@yahoo.com

سرشناسه

: صادقی فرد، غلامرضا، ۱۳۹۴ -

عنوان و نام پدیدآور : اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ: بررسی تحلیلی حدیث شریف مولی بودن

امیر ابرار علیه السلام: «مَنْ كُنَّكَ مَوْلَاً فَلَا تَكُنْ مَوْلَاَهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ

عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاحْذَلْ مَنْ حَذَلَهُ»

مشخصات نشر

: مشهد: تاسوعا، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری : ۱۰۹۶ ص.

شابک

: ۷۷-۷۷-۵۷۴۹-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر

یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی

است.

شناسه افزوده : مؤسسه پژوهش و مطالعات عاشورا. گروه معارف اسلامی.

شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۱۴۷۸۰

فهرست موضوعات

صفحه

۲۱

با یاد آن بزرگی که از دست رفت

۲۵

مقدمه

فصل اول

۳۵

مروری بر حدیث مولی بودن: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

۴۹

«۱» گونه‌های مختلف حدیث مولی بودن

۵۴

«۲» مواردی که برای صدور این حدیث مطرح شده است

۷۸

«۳» مروری کوتاه بر دلالت حدیث مولی بودن

فصل دوم

۸۵

نگاهی به حجة الوداع و به غدیر خم به عنوان زمان و مکان صدور حدیث مولی بودن

- ۹۲ «الیوم» در «آیه اکمال»، روزی از روزهای «حجۃ الوداع»
- ۹۷ وقوع وقایع «الیوم» در مکه و یا در راه بازگشت از «حجۃ الوداع»
- ۱۰۰ «واقعه غدیر خم» تنها شأن نزولی که برای «آیه اکمال» ذکر شده است
- ۱۰۷ «غدیر خم» و «واقعه غدیر خم»
- ۱۱۲ وقوف طولانی در «غدیر خم»
- فصل سوم
- ۱۱۹ پژوهشی در خصوص روز صدور «حدیث مولی بودن» و روز نزول «آیه اکمال»
- ۱۲۳ «۱» روز نزول «آیه اکمال» از دیدگاه عامه
- ۱۳۱ «۲» اکمال دین، هیچ ارتباطی به اکمال دین از نظر احکام ندارد
- ۱۳۵ «۳» اکمال دین در «الیوم»، اکمال از نظر ارکان
- ۱۳۸ «۴» تعبیر «دینکم»، ارتباطی عظیم میان «آیه تبلیغ» و «آیه اکمال»
- ۱۴۶ «۵» اسلام «الیوم»
- ۱۴۹ «۶» هل بَلَّغْتُ؟ ... اللَّهُمَّ اشْهَدْ
- ۱۵۴ «۷» فرمان به «شاهدان» برای «تبلیغ» به «غایبان»
- ۱۵۵ الف: نگاهی به واژه «تبلیغ»
- ۱۵۹ ب: نگاهی به واژه «شاهد»
- ۱۷۳ ج: نگاهی به واژه «غایب»

- د: رسالتی که «شاهدان» باید آن را به «غایبان»، «تبلیغ» کنند ۱۷۶
- ه: شهادت به ولایت امیرمؤمنان علیه السلام و ادای قطعی آن در «حجّة الوداع» ۱۷۹
- و: انطباق نتایج این بررسی و نتایج بررسی تحلیلی «آیه تبلیغ» ۱۸۲
- ۱۸۳ «۸» روزی که این فرمان صادر شد
- ۱۸۴ «۹» اگر یهودیان او عمر پرسش نمی کردند
- ۱۹۲ «۱۰» کلام آخر در مورد نزول «آیه اکمال» و صدور این فرمان
- فصل چهارم**
- ۱۹۵ بُخاری و مُسلم و نقل خطبه پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در غدیر خُم
- ۱۹۹ «۱» نام بخاری و مُسلم، در میان ثقات «حدیث غدیر»
- ۲۰۰ «۲» گزارشی از «غدیر خُم» توسط مُسلم با نام «حدیث ثقلین»
- ۲۰۶ «۳» نام بخاری در میان راویان اختصاصی «حدیث غدیر» و «حدیث مولی بودن»
- Watermark**
- ۲۸۰ «۴» انتظار دیگری نباید داشت
- فصل پنجم**
- ۲۸۳ مروری گذرا بر خطبه پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در «غدیر خُم»
- ۲۸۶ «۱» خطبه غدیر پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در مصادر امامیه
- ۲۸۷ «۲» حمد و ثنای الهی در خطبه «غدیر خُم»

- ۲۸۹ «۳» سبب ایجاد چنین اجتماعی در «غدير خُم»
- ۲۹۱ «۴» «حدیث منزلت» و «آیه ولایت» در خطبه «غدير خُم»
- ۲۹۴ «۵» «آیه تبليغ» و رسالتی که حتماً باید تبليغ شود
- ۲۹۵ «۶» امير ابرار عليه السلام و فرزندان او، «ولی» و «امامان واجب الطاعة»
- ۲۹۸ «۷» بشارت امام پیامبران به آمدن خاتم پیامبران عليه السلام
- ۲۹۹ «۸» حضور امير ابرار عليه السلام در کنار پیامبر رحمت عليه السلام و حدیث مولی بودن
- ۳۰۲ «۹» سخن از اكمال دين و اتمام نعمت و رضایت خداوند جل جلاله
- ۳۰۳ «۱۰» شهادت طلبیدن از خدا جل جلاله برای تبليغ اين رسالت
- ۳۰۴ «۱۱» سخن از وجود مبارک حضرت مهدي عليه السلام
- ۳۰۶ «۱۲» ارتداد قريب الوقوع صحابه
- ۳۰۷ «۱۳» فرمان تبليغ اين رسالت به غایبان
- ۳۰۸ «۱۴» توصیفهای بسیار امير ابرار عليه السلام و فرزندان او عليهم السلام
- ۳۱۱ «۱۵» «مبايعه»، «ميثاق» و «اقرار» در خطبه غدير

فصل ششم

- ۳۲۱ کلمه‌ها و ترکیبهای حدیث مولی بودن
- ۳۲۵ «۱» مَنْ
- ۳۲۶ «۲» كُنْتُ

۳۳۹	«۳» مَوْلَاهُ
۳۳۹	الف: «مولى»
۳۷۸	ب: «ولى»
۴۲۳	ج: «أولى»
۴۵۸	«۴» فَهَذَا
۴۵۸	«۵» عَنِیَّ
۴۵۸	«۶» اللَّهُمَّ
۴۵۹	«۷» وَالِ
۴۷۶	«۸» وَ...
۴۷۷	«۹» عَادِ
۴۷۹	الف: دشمنی و عداوت
۴۸۷	ب: «معاذ الله»
۴۸۷	«۱۰» أَنْصُرُ
۴۸۹	الف: «نصرت» و «کمک»
۴۹۲	ب: «نصرت»، مدد رسانی در مقابلۀ ایمان و کفر
۴۹۷	«۱۱» اخَذُلْ
۴۹۸	الف: خذلان ، فعلی در مقابل نصرت

ب: خذلان، فعلی با اعمال قدرت ۵۰۰

فصل هفتم

تحریف کلمه از جایگاه آن، قبل و بعد از تثبیت جایگاه آن ۵۰۷

«۱» دوروش برای تحریف کلمات ۵۱۲

«۲» راه انجام تحریف کلمات بعد از استقرار در جایگاه های آنها ۵۱۶

«۳» تحریف به گونه ای و تا آنجا که ... ۵۱۸

«۴» تحریف در خبر «عذیر خم» ۵۱۸

فصل هشتم

روند جعل یک یا چند مفهوم برای «مولی» ۵۲۱

«۱» مفهوم سازی برای واژه «مولی» ۵۲۹

«۲» مفاهیمی که به صورتی اصولی برای واژه «مولی» ساخته شده است ۵۴۵

«۳» نسبت دادن کاربرد «مولی» به معنای «عجم»، به پاس احترام علیه السلام ۵۵۷

«۴» اما چرا در کتابهای لغت، خبری از مفهوم «عجم» برای «مولی» ۵۶۵

نیست؟

«۵» ساخت روایت برای تثبیت مفاهیم مطلوب و یا درخواستی ۵۸۰

«۶» مفاهیمی بی مثال و به معنای واقعی بی مثال ۵۹۰

«۷» و اکنون... نگاهی به روند ساخت مفاهیم برای واژه «مولی» ۶۰۷

فصل نهم

۶۳۳ «مولی»، «ولی» و «موالاة» و مفاهیم «ناصر»، «نصیر» و «محب»

۶۳۷ «۱» نگاهی به رتبه‌های مفاهیم پیشنهادی برای «مولی»

۶۴۷ «۲» «ولی» و «مولی»، «نصیر» و «ناصر»

۶۵۵ الف: «ولی» و «مولی»، هرگز به معنای «نصیر» و «ناصر» نیست

۶۶۵ ب: «ولی» و «مولی»، هرگز به معنای «محب» نیست

فصل دهم

۶۸۷ «ولی»، «مولی»، «أولی»، هرگز به جای خود و به مفهوم خود

۶۹۴ «۱» توهم در برابری واژه «ولی» و «مولی»

۷۱۱ «۲» «مفعول» به معنای «أفعل»، «مُولی» به معنای «أولی»

۷۲۵ الف: مولی بودن جهنم

۷۳۰ ب: تعبیر «مولی» برای افرادی که حقوق مالی آنان باید به آنان پرداخت شود

۷۳۳ «۳» «مولی» همیشه «أولی» است

۷۳۵ «۴» «مولی» تنها به معنای «مولی» و «ولی» تنها به معنای «ولی»

فصل یازدهم

۷۴۳ شناخت «مولی» و «ولی» از راه شناخت بعضی از شؤون آنها

۷۵۰ «۱» بعضی از ویژگیهای «مولی»

۷۵۰ الف: نصرت و قدرت بر نصرت ، یکی از ویژگیهای «مولی»

۷۵۳ ب: بخشش و غفران و رحمت ، ویژگیهای دیگری از «مولی»

۷۵۴ ج: غنی سازی ، یکی دیگر از ویژگیهای «مولی»

۷۵۶ د: مولای مؤمنان ، تکیه گاه مؤمنان

۷۵۷ «۲» بعضی دیگر از شؤون «مولی»

۷۵۷ الف: حق اطاعت مطلق یکی از شؤون «مولی»

۷۵۸ ب: تقدیر و تدبیر در آفرینش ، یکی از شؤون «مولی»

۷۶۱ ج: رسیدگی به حساب انسانها ، یکی دیگر از شؤون «مولی»

۷۶۲ د: حق اعتصام به «مولی»

۷۶۴ ه: رأفت و رحمت و لطف «مولی» نسبت به مؤمنان و به کافران

۷۷۰ «۳» مروری بر شؤون و ویژگیهای «مولی» و «مولی»

فصل دوازدهم

۷۷۳ تحلیلی بر حدیث مولی بودن

۷۸۰ «۱» «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

۷۸۱ الف: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

۷۸۵ «۱» رسول خدا و امیر مؤمنان (علیه السلام) مولای حقیقی مؤمنان و کافران

- ۷۸۵ «مولى بودن» هميشگى و فراگير براى رسول خدا و امير ابرار عليه السلام
- ۷۸۶ «۳» «اتخاذولى» و «اتخاذ مولى»
- ۷۸۸ «۴» شئون و ويژگيهاى «مولای هميشگى مؤمنان و کافران»
- ۷۹۰ ب: «مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهٗ فَهَذَا عَلَيَّ وَلِيَّهٗ»
- ۷۹۶ «۲» «اللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْأَلُكَ مِنَ الْاَلَةِ»
- ۷۹۶ الف: دعای خدا و پیامبران خدا و مؤمنان
- ۸۰۶ ب: دلالتهاى «وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهَاتهمْ اَعْتَدُوا»
- ۸۱۰ «۳» «وَعَادِ مَنْ عَادَا»
- ۸۱۱ الف: «معاداة» و «موالاة»
- ۸۱۳ ب: «معاداة» امير ابرار عليه السلام نشانه کفر
- ۸۱۷ ج: دلالتى از دلالتهاى دعای «عَادِ مَنْ عَادَا»
- ۸۱۸ «۴» «وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَنِي»
- ۸۱۹ الف: تعريف نصرت خدا تعالى و راه عملی ساختن آن
- ۸۲۳ ب: نصرت امير ابرار عليه السلام، نصرت رسول رحمت عليه السلام است
- ۸۲۴ ج: غلبه نهايى از آن ناصران امير ابرار عليه السلام
- ۸۲۵ د: ناصران امير مؤمنان عليه السلام با نصر خدا تأييد مى شوند
- ۸۲۶ ه: اين دعای پیامبر خدا عليه السلام راه ديگرى براى معرفى «سومين ولي مؤمنان»

- ۸۲۸ و: خدا عجله همیشه آن جایی است که امیر ابرار علیه السلام باشد
- ۸۲۹ «۵» «وَاحْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»
- ۸۳۰ الف: خاذل امیر ابرار علیه السلام برای همیشه مخذول است
- ۸۳۱ ب: مخذول خداوند، مخذول شیطان نیز هست
- ۸۳۳ ج: انحصار نصرت و خذلان خدا به ناصران و خاذلان امیر ابرار علیه السلام
- ۸۳۴ د: شناخت قاتل خذلان یافتگان الهی و عاقبت خذلان امیر ابرار علیه السلام
- ۸۳۸ ه: تعریف مرضات خدا عجله با مرضات امیر مؤمنان علیه السلام
- ۸۳۹ «۶» تحلیل حدیث مولی بودن در یک نگاه
- ۸۴۱ الف: امیر مؤمنان علیه السلام مولای همگان است نه پسر عمومی آنان
- ۸۴۸ ب: یک «ولی» که با پذیرش ولایتش، ولایت «ولی» دیگر پذیرفته شده است
- ۸۵۳ ج: معرفی دشمنان خدا عجله
- ۸۵۳ د: انگوی مرضات خدا عجله
- ۸۵۴ ه: امکان نصرت و خذلان امیر ابرار علیه السلام برای همیشه

فصل سیزدهم

- ۸۵۹ کفر هر که به هر عنوانی در برابر امیر ابرار علیه السلام قرار بگیرد و معرفی آن حضرت علیه السلام به عنوان ایمان مجسم

- ۸۶۳ «۱» کفر هر که امیر مؤمنان علیه السلام را «أولی» نداند
- ۸۶۶ «۲» کفر هر که امیر مؤمنان علیه السلام مولای او نباشد
- ۸۶۸ «۳» کفر هر فردی که ولی بودن امیر ابرار علیهم السلام را نپذیرد
- ۸۶۹ «۴» کفر هر فردی که با امیر مؤمنان علیه السلام دشمنی کند
- ۸۶۹ «۵» کفر هر فردی که از نصرت امیر مؤمنان علیه السلام خودداری و امتناع کند
- ۸۷۱ «۶» کفر هر فردی که خاد علیه السلام امیر ابرار علیهم السلام باشد
- ۸۷۲ «۷» امیر ابرار علیهم السلام، «مَجْتَمِعُ اَیْمَانٍ» و «ایمان مجتسم»
- ۸۷۵ «فصل چهاردهم»
تعریف قرآنی «ایمان مجتسم» و عاقبت کفر به «الایمان»
- ۸۷۸ «۱» کافر شدن به «ایمان مجتسم»
- ۸۸۰ «۲» مروری بر تعبیر «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْاَیْمَانِ»
- ۸۸۴ «۳» راه شناخت این ایمان
- ۸۸۵ «۴» «حدیث مولی بودن» و معرفی «ایمان مجتسم»
- ۸۸۶ «۵» عاقبت کفر به «ایمان مجتسم»
- «فصل پانزدهم»
- ۸۹۳ تبیین «آیه اکمال» با «حدیث مولی بودن»

۸۹۶ «۱» سه «الیوم» دردو آیه از کتاب خدا ﷻ

۸۹۹ «۲» الیوم «آیه اکمال» و «آیه ملحق به آیه اکمال»

فصل شانزدهم

۹۰۹ «آیه تبلیغ» و معرفی مولی امیر مؤمنان ﷺ به عنوان مولای همگان

۹۱۲ «۱» تلاشی برای شناخت موضوع تبلیغ «آیه تبلیغ»

۹۱۵ «۲» شناخت موضوع مورد فرمان تبلیغ، با هدایت «آیه یأس کافران»

۹۲۱ «۳» شناخت موضوع مورد فرمان تبلیغ، با هدایتی از «آیه اکمال»

۹۲۴ «۴» «حدیث مولی بودن»، موضوع مورد تبلیغ «آیه تبلیغ»

فصل هفدهم

۹۲۷ تبیین آیات ولایت با: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاَهُ فَمَوْلَايَ عَلَيَّ مَوْلَاَهُ»

۹۳۱ الف: شرح مصداقی «آیه ولایت»، توسط «حدیث مولی بودن»

۹۳۶ ب: «حدیث مولی بودن» و «آیه اولو الامر»

۹۳۹ ج: «حدیث مولی بودن» و «آیه لیلۃ المبیت»

۹۴۱ د: «حدیث مولی بودن» و «آیه تطهیر»

۹۴۶ ه: «حدیث مولی بودن» و «آیه صادقان»

۹۴۸ و: «حدیث مولی بودن» و «آیه اعتصام»

۹۵۰ ز: «حدیث مولی بودن» و «آیه تبعیت از صراط مستقیم»

- ح: کتاب فضل تورا آب بحر کافی نیست ۹۵۱
- فصل هجدهم
- «سوره مبارکه هل اُتی» و «حدیث مولی بودن» ۹۵۳
- ۱ «رأفت و رحمتِ «مولی» نسبت به کافران ۹۵۵
- ۲ «رأفت و رحمتِ امیرابرار علیه السلام نسبت به مؤمنان و به کافران ۹۵۶
- الف: «سوره هل اُتی» نمونه‌ای از رأفت و رحمت نسبت به دشمنان ۹۵۷
- ب: گامی برای شناخت «الانوار» ۹۶۲
- ج: امیر مؤمنان علیه السلام، امیرابرار است ۹۶۶
- ۳ «رأفت و رحمتِ امیر مؤمنان علیه السلام به دشمنانش ۹۶۷
- فصل نوزدهم
- حدیث مولی بودن و معرفی نوری که با رسول رحمت صلی الله علیه و آله نازل شد ۹۶۹
- ۱ رابطه نصرت و فلاح و غلبه و تبعیت از نوری که نازل شده است ۹۷۱
- ۲ تعبیری عجیب، اما واقعی: «نزول رسول رحمت صلی الله علیه و آله به زمین» ۹۷۸
- ۳ تحریف در تعبیر الهی برای حل مشکل فهم و نافهمی ۹۸۰
- ۴ نور دیگری نیز به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله از عرش نازل شده است ۹۸۲
- ۵ گامی برای شناخت نوری که با رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است ۹۸۶

«۶» «حدیث مولی بودن» و نوری که با رسول خدا ﷺ نازل شده است ۹۹۱

فصل بیستم

کلام آخر: امید آن که : نور نازل شده خدا ، نور ما باشد ، او روان باشد و ما در پی او

«۱» حرکت نور مؤمنان با شتابی زیاد ، پیشاپیش آنان ، در قیامت ۹۹۸

«۲» رسول مرحمت ﷺ دو این حرکت ، ناظر شهید است ۹۹۹

«۳» این نور ، نامه اعمال مؤمنان نیست ۱۰۰۱

«۴» این نور ، نور اعمال مؤمنان نیز نیست ۱۰۰۷

«۵» این نور ، نور ایمان و هدایت نیز نیست ۱۰۰۹

«۶» این نور ، امام مؤمنان است ۱۰۱۰

«۷» نوری که خدا نازلش کرد تا مؤمنان از او تبعیت کنند ۱۰۱۱

«۸» این نور ، چگونه شد نور ما ؟ ۱۰۱۴

الف: یادی از دو بزرگ ۱۰۲۰

«۹» «رَبَّنَا أَنْعِمْ لَنَا نُورَنَا» ۱۰۲۱

فهارس

فهرست آیات ۱۰۳۱

فهرست منابع ۱۰۷۵

بیا د آخ بزرگرم که از دست رفت...

او با اظهارهای مکرر خودش، تمام عمرش را برای آن صرف کرد که گره‌های فکری شیعیان مولایش و مولایمان امیرمؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را از اندیشه آنان باز کند و تلاش کرد تا که با عمل و با گفتارش، اطرافیان را در مسیر ولایت فردی ثابت قدم سازد که خدایش جل جلاله او را در کتاب نورش «صراط مستقیم» خوانده است.

... و من عمرم را - تمام عمرم را - با آموزشهای کریمانه او سپری کرده‌ام و اگر چنانچه آموخته‌ام، از او آموخته‌ام که در راه نصرت مولایمان علیه السلام، چگونه اجر مباحث را بر روی اجر آنها قرار دهم و اگر توان آن را یافته‌ام که در این مسیر، قلمی و یا نفسی بزنم، از همت آن بزرگ مرد و از آستینی بوده‌ام که آن برای نصرت امیرش و امیرمان، امیر ابرار علیه السلام بالا زده بود.

او که پدر، سرور و آموزگار گرامی و عزیزم، عالم ربانی و مشوئ پارسایی و تقوا، علامه، آیه الله آقای حاج شیخ محمد رضا جعفری است، مدت زمانی است که از میان ما پر کشیده و رفته است تا که به پاداش نصرتش - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - بر سفره احسان امیر کریمش علیه السلام میهمان باشد؛ بر سفره احسان فردی که تمام عالم ریزه خوار سفره احسان اویند.

... و من بر خود، فرض و لازم می‌دانم که به عنوان ادای بخش کوچکی از حق بزرگی که او بر من دارد، از این دانشور کم نظیر - دست کم این گونه - یاد کنم؛ از دانشور کم نظیری که با رحلتش، ریزش ابر آموزشهای کریمانه او نیز پایان یافت اما بر این باورم

مقدمه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ
اضْطَقُوا وَأَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا، مُحَمَّدٍ وَآلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الْمُطَهَّرِينَ».

زمانی که دوست فرهیخته و دانشور گرامی، برادر عزیزم جناب آقای حاج
عبد الله شرعی از من خواست تا کتابی با عنوان «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ» به رشته تحریر در
آورم، او و من بر این باور بودیم که آن کتاب، بخشی از کتابهای: «آیه ولایت»، «آیه تبلیغ»،
«آیه اکمال» و «آیه میثاق غدیر» خواهد بود که پنجمین، ششمین و هفتمین کتاب از
مجموعه «با صدقان» است. این کتاب، بررسی تحلیلی و تطبیقی مولی بودن و بررسی
دعایی را قرار بود در برنامه داشته باشد که به دنبال این حدیث بر لبهای مبارک
پیامبر رحمت ﷺ جاری شده است: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ
وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ».

با آغاز نگارش این کتاب و با استخراج مباحث مربوطه از کتابهای مذکور، به نظر
می رسید که با جرح و تعدیل و تنظیمی ساده بتوان کتاب مورد نظر را به رشته تحریر در
آورد اما پس از آغاز نوشتن فصلی که به «کلمه ها و ترکیبهای حدیث مولی بودن»

اختصاص داشت، به خوبی دانستم: آن چه تا کنون در خصوص واژه «مولی» نوشته بودم، ارتباطی با آن چه باید بنویسم ندارد. دنیای دیگری در پیش رو بود.

با ادامه این بحث و ورود به مباحث دیگر، دانستم که این کتاب، کتاب مستقلی است که شاید بحثهای مشترکش با کتابهای ذکر شده از ۱۰ درصد مباحث آنها کمتر باشد. به هر حال، نگارش آن را به صورت کتابی مستقل آغاز کردم.

«حدیث مولی بودن»، حدیثی است که در میان مردم با نام «حدیث ولایت» شهرت یافته اما در این کتاب با این نام اختصاصی از آن یاد می شود. مشهورترین عبارت این حدیث، عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» است.

البته روند کتاب و موضوع آن، سبب شده تا این کتاب به عنوان یکی از کتابهای مجموعه «با صادقان» قلمداد نشود زیرا که مجموعه «با صادقان» به بررسی تحلیلی «آیات ولایت» اختصاص دارد و این کتاب در خصوص فرمایشی از فرمایشهای خاتم پیامبران علیهم السلام به رشته تحریر درآمده است. به این جهت، شماره های ترتیبی آن مجموعه بر این کتاب درج نشده است.

«حدیث مولی بودن»، حدیث مشهوری است که شاید شهرت بسیارش، سبب شده است تا در مفاد آن دقت کمتری صورت بگیرد و شاید هم آسان بودن کلمات و واژه های استعمال شده سبب چنین غفلتی شده باشد. به هر حال و با توجه به تمام تلاشهایی که در جهت خاموش کردن این چراغ صورت گرفته، فهم این حدیث، به دقتهای بسیار و بالاتری نیازمند است.

«حدیث مولی بودن» تنها حدیث مشهور و شاید تنها حدیثی است

که در آن از «مولی بودن» خود خاتم پیامبران علیهم السلام سخن به میان آمده و

اگر این حدیث به دست آیندگان نمی‌رسید، آنان از این ویژگی پیامبر رحمت ﷺ بی اطلاع بودند زیرا علاوه بر آن که حدیث دیگری به ذکر این واژه نپرداخته هیچ آیه‌ای از آیات قرآن نیز به صورت ظاهر به آن نپرداخته و این درست بر خلاف بحث «ولی بودن» آن حضرت ﷺ است که در آیه یا آیاتی از کتاب خدا ﷻ به آن تصریح و یا به آن اشاره شده است».

شکل دعایی عبارتی که به دنبال «حدیث مولی بودن» درج است، سبب شده است که بسیاری از مردم آن را دعایی بپندارند که استجاب و عدم استجابش مشکلی از مشکلات جامعه را حل و یا پیچیده‌تر نمی‌سازد! شاید هم به همین خاطر باشد که علمای عامه آن را در موضوع ولایت امیر مؤمنان ﷺ به هیچ انگاشته‌اند و شاید نیز به همین سبب باشد که آنان به صورت وسیعی به درج این دعا در کتابهایشان پرداخته‌اند و به نظر می‌رسد که اگر این گونه نبود، آنان از نقل و ثبت آن دعا خودداری می‌کردند و صد البته که این دعا، گویای بسیاری از نکات ناگفته‌ای است که در موضوع ولایت باید به آنها توجه شود و حاوی بسیاری از مطالبی است که می‌تواند به عنوان رمزگشای مباحث ولایت مورد استفاده با حثان قرار گیرد. البته این همه در صورتی است که با این عبارتها، به مانند عبارتهایی برخورد شود که از زبان مبارک خاتم پیامبران ﷺ صادر شده و به مانند عبارتهایی برخورد شود که خدای جهانیان ﷻ آن را به حضرتش وحی کرده نه به مانند عبارتهایی که گوینده آنها از فصاحت و بلاغت بهره‌ای نداشته است!

مشتاقم این اثر را در مرحله اول، به صاحب رسالت، به خاتم رسولان، به بزرگ مرد آفرینش ﷺ تقدیم کنم و عرضه بدارم: مولای من! ای رسول خداوند ﷻ! این همان

رسالتی است که در «غدیر خم»، تو خود، آن را بردوش ما نهادی و به تبلیغ آن در هر زمان و مکانی فرمان دادی. تبلیغ آن رسالت، اکنون در قالب این اثر و توسط فردی صورت گرفته است که تمام عمر انتظار آن را می کشید که چنین فرصتی برای چنین تبلیغی به او دست دهد و تو خود می دانی که او فقط در رؤیایش چنین روزی را پیش رویش می دید. و شاید در رؤیایش هم این روز و این روزگار را نمی دید.

«... و تو خود بیش از همه می دانی که او نمی خواست تا از این طریق نام و آوازه ای از خود به جای گذارد بلکه می خواست تا با افتخار به تمام محافل اعلام کند که او در حزبی ثبت نام کرده که پرچمش را بزرگ آفرینش، خاتم رسالت صلی الله علیه و آله، خودش و به امر پروردگارش جبار، به دست پربرکت امیر مؤمنان علیه السلام سپرده است. او می خواست تا سربه آسمان عزت بساید که افتخار حضور در اجتماعی را دارد که امیرش، امیر مؤمنان علیه السلام است و بس.

... و تو ای امیر مؤمنان! ای امام متقیان! تو خود نیک می دانی که او چشم و قلبش را برای انجام این وظیفه کوچک گذاشته است و تو کریم فرزند ابوطالبی صلی الله علیه و آله و از تو انتظاری غیر از نگاه محبت به او و به این بضاعت او نیست که «بضاعة مزجاة» هم خوانده نمی شود. او و افرادی را که با او در این خدمت سهیم هستند، به نگاهی از محبت خود میهمان کن که این نگاه، تمام توشه آنان در روزی خواهد بود که تمام آفرینش به نگاه تو و فرزندان تو و بانوی تو و برادر تو محتاجند که سلام خدا جبار بر تو و بر یکایک آنان باد!

... و سلام خدا بر تو باد ای باقی مانده از نسل طیبان! ای خاتم
الاولیاء! ای مولای مهربان! به بهانه این اثر، ما را به حضور خود
بپذیر و به ما توفیق آن ده که صبح و شام به حضور حضرت شرفیاب
شویم؛ تو ما را ببینی و ما تو را، که این ندای ملکوتی، زمزمه هر صبح
و شام ماست:

«... مَتَى نَعَادِيكَ وَنُرَاوِيكَ فَتَقَرَّمَتْهَا عَيْنَا، مَتَى تَرَانَا وَتَرَكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَوَاءَ
النَّصْرِ تَرِي، أَتَرَانَا نَحْفَ بِكَ وَأَنْتَ تَوُومُ الْمَلَأَ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا...».

«... کی می شود که ما صبحگاهان و شامگاهان به نزد تو آییم تا که از این عمل،
دیدگانمان روشن شود؟ کی می شود که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم در حالی که تو
پرچم نصرت را به صورتی نمایان برافراشته ای؟ آیا می شود آن روز را دریابیم که ما گرداگرد
تو باشیم و تو مردم را امامت کنی در حالی که زمین را از عدل پر کرده باشی...».

A-PDF *****

نمی توانم در این کتاب و در هیچ کتابی از فکر استاد بزرگم روی برتابم. او استاد
پارسایی و تقوا، عالم ربانی، مرحوم آیه الله، علامه حاج شیخ محمد رضا جعفری بود؛ بزرگ
مردی که بسیاری از داشته های اعتقادیم از آموزه های پدیده اوست. بزرگ مردی که در اوج
بزرگی مرا از اولین و ابتدایی ترین درسهای این راه محروم نکرد. او به من و به فرزند دیگرش
فاضل محترم آقای محمد حسن جعفری شرح امثله آموخت، صرف میر آموخت، شرح
قطر الندی آموخت و... تا آن که راه رفتن را آن گونه آموختیم که او می خواست. و صد البته
که این کتابها و کتابهای همانندش، تنها بهانه ای بود برای درس دادن. او درسهایی را با
روشهای ویژه خودش در تمام ساعتهای همراهی، در تمام ساعتهای عمر، به گونه ای به
من می داد که من از هفته ای هفت روز تمام در کنار او بودن و از تمام لحظات زندگی

استفاده‌ای می‌کردم که فقط خدای مهربان ﷻ ابعاد آن را می‌داند. من حدود سی و هفت سال از عمرم را در کنار او و با او زندگی کردم و در تمام مدت از او آموختم آنچه را که او خود به من آموزش می‌داد؛ درس‌هایی که دیگر وابسته به هیچ کتابی نبود.

شاید به همین خاطر باشد که هر فردی با هدایتها و درسهای این انسان فرهیخته آشنایی داشته باشد، زمزمه‌های محبت، آموزه‌های دلسوزانه و حکیمانه و جوشش تولی و تبری او را در جای جای این کتاب به روشنی می‌بیند و شاید به همین سبب، بتوان این کتاب و کتابهای دیگر این نگارنده را شاهدی کوچک بر هنر و توان معمار بزرگی دانست که به او آموخت که چگونه آجر را بر آجر مباحث قرار دهد.

به هر حال، آنچه مسلم است این است که نویسنده این سطور، تمام حیات علمی خود را از برکات تعالیم آگاهانه او می‌داند و بر این باور است که با رحلت این دانشور کم نظیر، اگرچه ریش ابرآموزشهای کریمانه او پایان یافت اما جریان برکات انفاس قدسی او با آینده پیوندی ناگسستنی خورد. به همین جهت، او خود و سایر شاگردان استاد مرحوم را همواره در مسیر نعمتهای جریان یافته از سوی این بزرگ مرد می‌داند.

زبان صاحب این قلم، از ادای شکر این نعمت قاصر است. این نعمت را به زبان و به قلم، شکر می‌گویم و از خداوند منان ﷻ مسألت دارم که این عالم ربانی را از عنایات ویژه سرور موحدان امیر مؤمنان ﷺ و حضرت صدیق طاهره ﷺ، بهره‌مند گرداند و روان پاک او را با پیشوایان معصوم ﷺ محشور سازد.

بر خود لازم می‌دانم از برادر عزیز و دانشمندم، اندیشمند بزرگ شیعی، استاد عبد الله (مصطفی) شرعی که این کتاب با نظر او به این سبک و سیاق نوشته و انتشار یافته است، تقدیر کنم. هم چنین بر خود لازم می‌دانم که به این واقعیت نیز اقرار کنم که

شکل‌گیری و نگارش و چاپ و انتشار این کتاب و کتابهای مجموعه «با صادقان»، همگی وابسته به نظرهای عالمانه و برادرانه و دلسوزانه این بزرگ مرد است. ضمن سپاسگزاری از او، امید آن را دارم که مولایمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از او و من، دست‌گیری کند و به اندیشه‌های برجسته او برکتی مضاعف عطا کند و او و مرا از عنایات خاص خودش بهره‌مند سازد.

برخود فرض و لازم می‌دانم که از محبت دو انسان شایسته، آقایان حاج عباس شاه‌آبادی و دکتر امیر حسین حقیقت خواه که با تأمین هزینه چاپ کتاب به صورت وام، مرا در امر نشر این اثر یاری داده‌اند، سپاسی ویژه کنم و از مولایمان، امیر ابرار، حضرت امیر مؤمنان علیه السلام عاجزانه درخواست آن را بنمایم که در همه آنات دنیا و به ویژه در ساعتی به این کار آنان نگاه کند که همه محتاج یک نگاه او هستیم.

هم چنین برخود لازم می‌بینم از تمام افرادی که در شکل‌گیری و انتشار این اثر مراری داده‌اند، تشکر و سپاسی ویژه کنم و به این بهانه از مولایمان بخواهیم که ما را در صراط مستقیم هدایت کند تا به ثبات قدم بدارد.

از همان روزهای اولی که به نگارش این کتاب اقدام کردم، از مذاکره و مباحثه مطالب کتاب با برادر عزیزم جناب آقای مهندس محمد حسین جواهری و از شنیدن نظرهای تیزبینانه او، بهره‌ها بردم. به علاوه، در زمانی که این کتاب برای چاپ، مراحل شکل‌گیری نهایی را طی می‌کرد، در کنار جوار نورانی مولایمان امام رؤوف، حضرت ثامن الائمه، حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و آستین یاری را بالا زد و کمکهای شایانی را ارائه کرد. مولایمان، رسول رحمت صلی الله علیه و آله و امیر ابرار علیه السلام از او در همه عمر و به

ویژه در آن زمانی دستگیری کند که همه به آن نیازمندند.

تشکر از الطاف دوستان و برادرانی که از مجموعه کلاس کلام، با راهنماییها و نکته‌گوییها در جهت هر چه بهتر شدن اثر مرایاری داده‌اند؛ به ویژه از تلاش بسیار و بی‌وقفه‌ای که برادر عزیزم آقای علی دلاور اصفهانی در این خصوص اعمالش کرده است. او با خواندن تمام کتاب و غلط‌گیریهای بسیار ریزبینانه و موشکافانه، سبب شد تا نقایص بسیاری از کتاب، مرتفع شود.

تشکر از داماد عزیزم جناب آقای حامد علی تقوی که با تصحیحهای موردی و اظهار نظرهای بسیار فایده‌دار در جهت تکامل بحثها و نیز رفع نقایص، آستینی برای نصرت بالا زد.

هم چنین از تلاشی که دو دوست دیگرم، استاد زاده عزیزم، آقای علی جعفری و نیز آقای عبد‌النبی فرحمند در این خصوص انجام داده‌اند، نهایت سپاس را دارم.

از بانوی خانه‌ام، سرکار خانم الهام فرحمند نیز سپاسگزارم؛ سپاسی ویژه. تشکر از او که محیط را برای انجام این خدمت، آماده و مساعد نموده است.

علامه رضا صادقی فرد

میلاد مسعود مولی امیر مؤمنان علیه السلام

سیزدهم رجب ۱۴۳۶